

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

ناتور رحمانی

سه شنبه ۲۰ جولای ۲۰۲۱

## سرآب دموکراسی یا موریانه های فساد؟؟

من از افغانستان میگویم ، از زادگاه خویش ، از سرزمینی که با ناهنجاری ها به نفرینش بستند ، و بخاک و خونش کشیدند !؟

در بیگاهی ماسیده از زنگار ، بعد تیره گی های ظلمتبار و غلام گردشی ها ، وقتی آواز های تکبیر و صلوات ، در محراب بنیادگرایی کتبیبه گردید ، و نفیر ناقوس های کلیسایی از آنطرف دیوار برلین برای یک ملت اسیر و بخون نشسته ، آزادی و دموکراسی را بشارت داد ، هیچ افغان درد رسیده اندیشه نداشت که در کوتاه مدت ، حامیان تمدن و دموکراسی گوسفند خود را به آستان فئاتیسم ذبح نماید ، و با جاری ساختن آب به همان آسیاب کهنه قرون ، ملت همیشه بد دیده را مجبور به عبادت جباریتی گرداند ، که خون شان را قبلاً به شیشه کرده اند !!

گرچه ماهیت حامیان دموکراسی ، و نوعیت دروغ پردازانه ارباب زور و سرمایه ، از همان اول معلوم بود ... .

سیاست ششلول بند ، متجاوز ، فتنه انگیز ، خون آشام و زورگوی قصرسفید ، زیربنای محکم و دژ مستحکم تربه جز از بنیادگرایی، و فاشیسم مذهبی، برای تجاوز و تطاول کشورهای خرد و ریزه ندارد ، او بسیار شیدانه در ممالک اسلامی جهان سوم ، چهره های ابلیس نما را شمایل قدسی می بخشد، و با پوشاندن عبا و قبا در سلک رهبان و متولیان مذهبی درآورده ، آنها را به معراج خواست اسلام گرایان سنتی ، و توده های پاک طنیت مذهب باور نشانده ، فرمان رهبری و پیامبری ، امیرالمومنین و ... بدست شان میدهد ، تا نامی بهم زنند مثل ( اسامه ، ملا عمر ، ملا اخترمنصور و ... و دههای دگر ، مگر در اصل خواست سرمایه ای آلوده باخون و کثافت بهانه است .

بلی ، تا در پگاهی دگر و زمان دگر ، با بهانه سرکوب بنیاد گرایی ، مبارزه با تروریسم و ستم افراط گرایی چهره ها ، تبارها را بخاک و خون بکشاند ، و سرزمین ها را بخاطر خاسته و داشته اش

اشغال نماید ... چنانچه در سرزمین من چنین کرد ، مرد یک چشمی را امیرالمومنین ساخت او را حامی و ناجی دین و دولت افغان ها خواند، و برکرسی امامت طالب های بربری نشاند ، در دور دگر و زمان دگر با بهانه رفع ستم ، و افراط گرایی طالبی از افغان و افغانستان ، بنام مبارزه با تروریسم دست به تجاوز زد ، بی دفاع را کشت و بیگناه را زندانی نمود ، قساوت و بیداد بگونه ای شد که قصه رسوایی آن از حصار سنگی ، دیوارهای بلند ، زنجیر و میله و سیم های خاردار ابوغریب ، بگرام ، گوانتانامو و... گذشته گوش جان دنیای متمدن و انسان گرا را سخت متأثر نمود ، مگر ماشه کش گاو سوار را خط برجبین و گره به ابرو نیافتاد !!

بالتر از بدمعاشی و رسوایی ، دولت ارادت مند خویش را در کابل و ادار میسازد تا نهاد بد نام ، سرتا پا سیاه ، تاریک و ستمگستر پلیس مذهبی را دوباره احیا نماید !!؟

این چیزی به جز گنده گی و فساد دولت خودکامه نیست ، که برای بقای حیات خویش موربانه های آهن خور پلیس مذهبی ( امر بالمعروف و نهی از منکر ) را بجان ملت بپا خاسته بیاندازد ، تا درگیر جفای بزرگی گردیده ، فراموش کنند که بی سرپناه ، بیکار ، بی سواد ، مریض ، فقیر ، شکسته ، درمانده و برباد رفته اند ، آنها را میخواهند به تیغ ستم ببندند ، که همیشه در سنگر مبارزه با بیگانه ها و بیگانه پرست ها رزمیده اند ، و با غرور آهنین بفرق آنها کوبیده اند « این درس و کتاب هنوز هم در مکتب وطنپرستان افغانستان قابل خواندن است »

دولت (شتر گاو پلنگی ) وحشت ملی « ع ، غ » که بسیار متأسفانه نگذشته از دهلیز دموکراسی با فرق به منجلاب فساد سقوط کرد ، باید بخاطر داشته باشد که هنگام زمزمه کردن آهنگ دموکراسی ، و با وعده رهایی ملت از یوغ ستم و استبداد ، بخصوص زنان که ۴۰% آرای خود را از همان زنان بدست آورده اند ، پس چگونه شد که در فرار از ناتوانی ، و ندانم کاری همان قشر ظریف کشته دست مرد سالار را ، دوباره بدست جلاد مذهبی ، چشم سرمه یی های بی باور به انسانیت و شرافت میدهند ، تا باز پرستوهای نوپر را بال و پر کنند ، و خینه بریش زعمای خویش بمالند ، تا اندازه ریش مردان موازی به ضخامت حجاب زنان ، سبب خشنودی رهبری نو ( ملا اختر منصور ) و جمع کرکسان و جشن لاشخوران بی فرهنگ گردد ، اینست ناسپاسی به زن افغان و فراموشکاری یک مدیریت ضعیف و از حال رفته ، که درامه سازش و آرایش را با طالب و داعش همراهی تصنیف ناموزون صلح خواهی ، در ترجیح بند قطعنی به نمایش گذاشته است ... .

اگر مرام از جلوگیری فساد ، ارتشا ، فحشا ، قاچاق ، آدم ربایی ، دزدی ، قمار ، بچه بازی و غیره اعمال غیر اخلاقی و انسانی باشد ، باید رخ به آنها نماید که با پا گذاشتن بخاک افغانها ، این همه

آلوده گی فرهنگ به اصطلاح متمدن، مگر در اصل لجام گسسته خویش را به ارمان آورده و نهادینه ساخته اند ، این همان فرهنگ بی لگام است ، که در سراسر قلمرو رشوه ستانی قانونی بوده و کسی نمی تواند و قدرت ندارد ، بدون دادن رشوه و پرداخت تحفه و تارتق نفس بکشد ، قلمروی که تهاه دار کم سواد تفنگ دارش ، استاد دانشگاه را در محضرعام لت و کوب می کند ، سرزمینی که به خاطر گل روی یک بچه برهنه صورت ، که از روی مجبوریت اسیر نلت گردیده است ، یا رسم کثیف بچه بازی ، بیست و یک کس قربانی شده به درک می رود و و ، ببینید موریانه های فساد در کجا تخم گذاری مینمایند ؟

هر دولت ضعیف یا خود کامه ، به یک حامی و پشتیبان نیاز دارد ، حالا این حامی از نوع کارتلها باشد یا سندیکا ، حزبی باشد یا مذهبی ، سیاسی یا سیاست زده فرق نمی کند ، زیرا پیشنهاد وعده یا اعطای هر نوع امتیاز مادی ، بطور مستقیم یا از طریق واسطه و معامله گر ، در پی ریزی و ساختار دولت های دست نشانده ، توسط مقام های رسمی و دولتی ، بیگانه گان متجاوز ، استعمارگر و کودتاچی ، به قصد دادن سریر و اورنگ شاهی ، منطبق با مفهوم فساد فعال است ، که مستلزم شایستگی اداره ، گنبدگی مدیریت و فرسودگی سیستم می گردد ، افراد خود رأی و وابسته به دولت دست نشانده ، صیادان ماهری اند که ماهی از آب خت می گیرند ، با سو استفاده از منابع ملی و بین المللی ، رشوه دهی و رشوه ستانی ، حیف و میل دارائی های عامه ، پول های امدادی و خیرخواهانه ، احتکار و تقلب در داد و ستد مواد اولیه و حیاتی ، قاچاق تریاک و تفنگ ، دست بازی های سیاسی در امر پارلمانی و جعل آرای مردم ، فروش منابع زیرزمینی ، موزه ها و آرشیف های ملی ، همدست دزد و همراه طرار شدن ، زمینه و بساط تخم گذاری موریانه های فساد اداره ، یا سیستم را مهیا میسازد .

میرهن است که در چنین هنگامه ناهنجار ، مردم تاراج شده و داغ دیده لب به اعتراض گشوده ، و در مقام پرخاش می برآیند ... چاره چیست و دولت ها باید چه بکنند ؟

همان کار قدیم و اجرای دستور یار ندیم « تفرقه اندازی و حکومت کردن » دولت دست نشانده ( ع ، غ ) با ساختار وحشت ملی اش ، چنین می کند ، یعنی بلای باید ساخت و بجان مردم بپا خاسته باید انداخت ، تا کسی را جرات نباشد از آزادی و دموکراسی دم زند ، و در یک صف واحد با همدلی و همبستگی ، به دور از تمیز و تمایز داری میهن آزاد ، آباد ، با افتخار ، و آبرومند گردند .

اما اگر آواز اعتراض دگراندیشان دموکرات افغان خاصه زنان ، مجامع بین الملل ، نهاد های مترقی و بشردوست ، در ضدیت با این طرح نابکار و ناصواب ، یعنی احیای مجدد تفتیش عقاید ، و بلند شدن چماق پلیس مذهبی همه گر نشود ، زود باشد که افغانستان عزیز ، زادگاه و سرزمین افغانهای آزاده ، برای چندمین بار به گورستان و ماتمکده ساکت ، سرد ، ظلمتبار و عقبگرا تبدیل گردد، و یکبار دگر نسل از پری ، پرنده و پروانه در آتش بیداد و ستم بنیاد گرایی بسوزد .